

به نام خداوند بخشنده مهربان

زبان و فرهنگ ملی

سی‌ونجم بردهم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی



فهرست:

۱- انسان

۲- زبان

۳- اندام های کویایی

۴- ایران زمین

۵- جامعه‌ی زبانی فارسی ۶- تاریخچه اقوام ایرانی ۷- زبان فارسی ۸- جمعیت پارسی کویان

۹- لهجه های کوناگون فارسی در جهان

۱۰- گویش ها و لهجه های کوناگون فارسی در ایران

۱۱- زبان رسمی با لهجه رسمی (معیار)

۱۲- فارسی : زبان رسمی و لهجه ی رسمی

۱۳- زبان رسمی رمز اتحاد و انسجام ملی

۱۴- خدمناجات

۱۵- نقشه پرکنندگی جغرافیایی زبان ها در ایران

۱- انسان:

- انسان موجودی اجتماعی است و این موجودات اجتماعی در زمان کهن ، برای برقراری ارتباط با مشکلات بسیاری مواجه بودند . مهم ترین وسیله ارتباط بشر همیشه زبان بوده است ولی انسان جز این ، وسایل ارتباطی مهم دیگر هم در اختیار داشته است. زبان پایه همه نهادهای اجتماعی ، قوانین و مقررات در همه جنبه های زندگی است.
- انسان ها در ابتدا از طریق اشارات و یا حرکات اعضای بدن ، کشیدن تصویر بر روی سنگ ها ، دیوارغارها ، درست کردن دود و آتش ، تقلید از صداهای طبیعی و... ، با یکدیگر ارتباط برقرار می کردند. در واقع زبان آدمیان از اشارات (زبان علامت بنیاد) و کشیدن نقاشی (زبان تصویر بنیاد) و تقلید صداهای طبیعی (زبان صدا بنیاد) آغاز و رفته رفته در طول هزاران سال به صورت کاملا انتزاعی (علامت بنیاد و صدا بنیاد) یعنی زبان های گوناگون بشر امروزی ، در آمد. سیر تولید زبان یا گویش بشری با حرکتی بسیار تدریجی و طی هزاران سال بوده است که در این متن نمی گنجد.

۲- زبان:

- بشر برای برقراری ارتباط به ابداع نشانه های قراردادی (انتزاعی) برای ادای صداهای زبانی پرداخت . این نشانه ها که در واقع همان حروف الفبای خطی هستند ، همراه با قوانین دستوری یا نگارشی ساخت بشر ، مجموع نظام یا سیستم زبانی را خلق می کنند. تاکنون بیش از ۷۰۰۰ نوع زبان در دنیا شناخته شده است .
- در خموشی حرف های مختلف یک نقطه اند می کند این جمع را تیغ زبان از هم جدا



صائب تبریزی - قرن یازده

- زبان صورت واحد و ثابتی ندارد ، زیرا زبان امری اجتماعی است و در جوامع بشری به عنوان وسیله ای برای برطرف کردن نیاز افراد جامعه به برقراری ارتباط با یکدیگر و تفهیم و تفاهم به کار می رود . هر جامعه ای مانند موجود زنده ای پیوسته دستخوش دگرگونی و تحواست و به تبع و بر اثر تغییر و دگرگونی بنیادهای آن از قبیل : سیاست ، مذهب ، آداب و رسوم ، حرف و مشاغل ، ابزارهای زیستن و نظایر این ها ، تغییر می کند.

- زبان یا گویایی بشر که صفت ممیز اوست ، رشته ها و فعالیت های دیگر بشر را در بر می گیرد.
نمونه : فیزیک، روان شناسی ، جامعه شناسی ، منطق ، فلسفه ، مردم شناسی ، پزشکی و همه
جوانب علم بشری.

کس نبود از راز دانش بی نیاز

تا جهان بود از سر مردم فراز

راز دانش را به هر گونه زبان

مردمان بخرد اندر هر زمان

تا به سنگ اندر همی بنگاشتند

گرد کردند و گرامی داشتند



رودکی - قرن چهارم

- زبان یک نظام (سیستم) است که کار اصلی آن ایجاد ارتباط میان انسان هاست و شکل های
گوناگونی به نام گونه ، لهجه و گویش دارد. تکامل زبان درست مانند تکامل بیولوژیکی است که با
دقت فراوان و نسل به نسل اتفاق می افتد.

- گفتار یک پدیده پیوسته و زنجیروار است. ؛ به عبارتی زنجیره گفتار ناگسستنی است. این زنجیره
از به هم پیوستن آواهای زبانی قراردادی و به کمک تغییرات مداوم اندام های گویایی (در مجرای
گفتار) حاصل می شود.

- **گونه** : تفاوت در سبک سخن گفتن . مانند: سبک رسمی ، کوچه بازاری ، علمی ، شغلی و...؟؟؟

- **لهجه**: لهجه به نوع خاصی از زبان گویند که در آن دستور زبان و معنای واژگان تغییر نمی کند و
فقط تفاوت هایی در آواها دارند. مانند : لهجه اصفهانی از زبان فارسی

- **گویش** : در واقع همان زبان مستقل هر قوم یا ملیت است که از نظر دستوری و واژگانی و آوایی
کاملاً مستقل و متفاوت با زبان های دیگر هستند. مانند : گویش کردی و فارسی - گویش انگلیسی
و ترکی .



گر جانت بکارست نگه دار زبان
سر برگ درختست، زبان باد خزان

جانست و زبانست زبان دشمن جان
شیرین سخنی بگفت شاه صنمان

ابو سعید ابوالخیر - قرن ۴ و ۵

۳- اندام های گویایی:

- انسان از نقطه نظر فیزیولوژیایی دارای اندام یا اندام هایی نیست که بتوان به آن ها صرفا نام اندام های گفتار، نهاد؛ بلکه اندام هایی در بدن هستند که دارای وظیفه یا وظایف فیزیولوژیکی دیگری هستند که همه برای ادامه بقای نسل بشر ضروری می باشند. تولید آواهای زبانی و درنهایت خلق نظام زبانی نقش جانبی آن ها است. به طور نمونه: شش ها و نای با اندام های دیگر مربوطه دستگاه تنفس انسان را تشکیل می دهند. زبان کوچک تنظیم عمل بلعیدن غذا را به عهده دارد. وظیفه زبان (اندام زبان) و دهان کنترل عمل خوردن و آشامیدن است و

- اندام های گویایی به طور خلاصه عبارتند از: شش ها - نای - حنجره - دهان - زبان کوچک - زبان - بینی - لب ها - دندان ها

۴- ایران زمین:

- در سرزمین ایران از دیرباز اقوام گوناگونی زندگی می کردند. هر قوم گویش ویژه خود را داشت. در نواحی مرکزی به طور عمده زبان فارسی، بختیاری، لری رایج بود. زبان فارسی گونه تحول یافته فارسی میانه بوده و بیشتر زبان دیوان (دولت) و زبان فرهنگ بود. فارسی زبان ارتباط میان قوم های مختلف نیز بود مانند: کرد، لر، ترک، عرب، بلوچ، گیلک و امروزه نیز به همین منوال است. بنا براین در ایران زبان فارسی رمز همبستگی و انسجام مردم از قوم ها و طایفه های گوناگون بوده است. در حقیقت زبان فارسی از دوران سامانیان و صفاریان زبان مشترک و رسمی ایرانیان قرار گرفت.

۵- جامعه ی زبانی فارسی:

- به طور بسیار ساده جامعه زبانی را به دو گونه می توان تعریف کرد:
- الف) به مجموعه ی سخنگویان بومی همزبان که در گستره ی جغرافیایی کشور واحدی زندگی می کنند.

- (ب) به همه سخنگویان بومی هم‌زبان که ممکن است در کشورهای متفاوتی به سر برند ، جامعه ی زبانی گفته می شود.

- در این متن ، تعریف اول مورد توجه است.براین پایه ، همه ی سخنگویان بومی زبان فارسی که در گستره ی جغرافیایی کشور ایران زندگی می کنند ، جامعه ی سخنگویان زبان فارسی را تشکیل می دهند. تمام گویشوران زبان فارسی صرف نظر از ناحیه جغرافیایی خاصی که در آن زندگی می کنند یا طبقه ی اجتماعی ، شغلی یا میزان تحصیلات ، می توانند با یکدیگر ارتباط زبانی برقرار کنند و سخن یکدیگر را متقابلاً درک کنند. با این همه باید گفت که زبان فارسی به طور کاملاً یکسان و یک پارچه به کار نمی رود. برعکس در هر ناحیه جغرافیایی و نیز در هر موقعیت اجتماعی ، عاطفی ، شغلی ، جنسیت ، قومیت و عوامل مختلف دیگر، گونه یا لهجه خاصی از این زبان را به کار می برند.

- در هر سرزمین یا کشوری ، تغییرات زبانی در میان سخنگویان آن زبان براساس عوامل ذکر شده بالا به طور تدریجی در طول زمان اتفاق می افتد . خاصیت پویایی و تغییر دائم از خواص مهم هر زبانی است که سبب تقویت و گسترش آن زبان می شود.

۶- تاریخ اقوام ایرانی :

- فارسی یا پارسی یکی از زبان‌های هند و اروپایی در شاخه زبان‌های ایرانی است . هند و اروپایی به اقوامی اطلاق می شود که در روزگاران بس کهن در نواحی واقع در جنوب سرزمین روسیه امروزی، در دشت‌ها و استپ‌های میان جنوب سیبری ، دریاچه آرال ، شمال دریای خزر و شمال قفقاز می زیستند. این قوم‌ها از هزاره سوم پیش از میلاد به بعد ناچار به مهاجرت از سرزمین اصلی خود شدند. هر قوم یا دسته‌ای در مسیری جدا حرکت کرده و به سرزمین‌های جداگانه‌ای از جنوب آسیا تا شمال اروپا پراکنده شدند. به دلیل پراکندگی آن‌ها در نقاط مختلفی از اروپا تا آسیا (تا هند) به نام هندو اروپایی شهرت یافتند. زبان آن‌ها هم با توجه به توضیحات فوق ، ریشه مشترکی داشت که زبان‌های هندواروپایی نام گرفتند. برای مثال زبان‌های هند و اروپایی شامل : هندی ، ایرانی ، یونانی ، ارمنی ، ایتالی ، ژرمنی و... .

- دو زبان فارسی باستان و اوستائی از زبانهای ایرانی کهن هستند. این زبان که فرس قدیم و فرس هخامنشی نیز خوانده شده، زبان رسمی آریاییان در دوره هخامنشیان بود، و با زبان سنسکریت (درهند) و اوستایی، خویشاوندی نزدیک دارد. مهمترین مدارکی که از زبان فارسی باستان در دست است، کتیبه های شاهان هخامنشی است که قدیم ترین آنها متعلق به «اریارامنه» پدر جد داریوش بزرگ (حدود ۶۱۰ - ۵۸۰ قبل از میلاد) یعنی دوهزار و شش صد و هفده سال قبل و تازه ترین آنها از ارد شیر سوم (۳۵۸ - ۳۳۸ ق. م.) است. مهمترین و بزرگترین اثر از زبان فارسی باستان کتیبه بغستان (بیستون) است که به امر داریوش برصخره بیستون (سراه همدان به کرمانشاه) کنده شده است. این کتیبه ها به خط میخی نوشته شده و از مجموع آنها نزدیک ۵۰۰ واژه به زبان فارسی باستان به دو خط ایلامی و بابلی استخراج می شود. این کتیبه ها و کتیبه های دیگر از شاهان هخامنشی، ویژگی ها و مختصات زبان فارسی باستان را در طول دو سده (ششم تا چهارم پیش از میلاد) را آشکار می سازند.

- زبان فارسی از زبان کهن تر فارسی میانه (یا پهلوی) و آن نیز خود از فارسی باستان سرچشمه گرفته است. این دو زبان کهن تر، برخاسته از ناحیه و مرز و بوم تاریخی و باستانی پارس در نزدیک استان امروزی فارس در جنوب ایران هستند. فارسی میانه به عنوان گویش رسمی در زمان ساسانیان در دیگر سرزمین های ایرانی گسترش بسیاری یافت به گونه ای که در خراسان بزرگ جایگزین زبان های پارتی و بلخی شد و بخش های بزرگی از خوارزمی زبانان و سغدی زبانان نیز فارسی زبان شدند. گویشی از فارسی میانه با گذشت زمان، فارسی دری نام گرفت که پس از اسلام به عنوان گویش استاندارد نوشتاری در خراسان رواج یافت و به تدریج به سراسر ایران گسترش یافت.

- امروزه در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان به آن سخن می گویند. فارسی زبان رسمی کشورهای ایران و تاجیکستان و افغانستان است. زبان رسمی کشور هندوستان نیز تا پیش از ورود استعمار انگلیس، فارسی بود. زبان فارسی در افغانستان به طور رسمی **دری** و در تاجیکستان **تاجیکی** خوانده شده است.



عصر های ما ز مخلوقات اوست

گفت «اقوام و ملل آیات اوست»

از دم او ناطق آمد سنگ و خشت ما همه مانند حاصل، او چو کشت «اقبال لاهوری- قرن ۱۹ تا ۲۰ میلادی»

۷- زبان فارسی:

« ادبیات فارسی به حق یکی از مهم ترین حلقه ها ، در سلسله آثار ادبیات جهانی و گوهر ممتاز مدنیت و فرهنگ مشرق زمین و دنیای اسلام ، و در اصل محصول فرایندی عظیم از مبادلات فرهنگی ، برخوردها و تاثیر پذیری های متقابلی است که در طول قرن ها انجام پذیرفته و یکی از بزرگ ترین موارث فرهنگ بشری است ؛ آن چنان که بسیاری از فرهیختگان جهان ، مارا به آثار ادبی مان می شناسند . به طور مثال اگر قرار باشد بیست سی نفر از نوابغ ادبی جهان ، از سپیده دم تاریخ تا به امروز ، انتخاب کنند ، بی تردید ، چهار پنج نفر از بزرگان ادب ما ، در این مجموعه جای خواهند گرفت.»

۱-۷ چند ویژگی مهم و کلی زبان فارسی:

- ۱ - در سال ۱۸۷۲ میلادی در نشست ادیبان و زبان شناسان اروپایی در برلین، زبان های یونانی ، فارسی، لاتین و سانسکریت به عنوان زبان های **کلاسیک** جهان برگزیده شدند. بر پایه این تعریف، زبانی کلاسیک به شمار می آید که اول ، باستانی باشد. دوم، ادبیات پرباری داشته باشد و سوم در واپسین هزاره زندگانی خود دگرگونی های اندکی کرده باشد. زبان فارسی دومین زبان کلاسیک جهان بعد از زبان یونانی است و همه ویژگی های یک زبان کلاسیک را دارد.
- ۲ - فارسی از دیدگاه شمار و گوناگونی ضرب المثل ها در میان سه زبان نخست جهان است. با آمدن واژگان از زبان عربی (و زبان های دیگری مانند یونانی، آرامی، ترکی و غیره) به زبان فارسی، این زبان از نظر شمار واژه ها یکی از غنی ترین و پرمایه ترین زبان ها شده است. در کمتر زبانی فرهنگ واژگانی چون دهخدا (در ۱۸ جلد) یا فرهنگ سخن (در ۸ جلد) دیده می شود.
- ۳ - زبان فارسی یک سده پیش از لاتین و ۱۲ سده قبل از انگلیسی وجود داشته است. از ۱۰ شاعر برتر جهان ۵ نفر از آن ها فارسی زبان هستند.
- ۴ - در زبان فارسی به راحتی می توان تعداد زیادی فعل را کنار هم گذاشت و در آخر هم یک جمله معنی دار ساخت. (بدون استفاده از هر ساختار دیگری مانند اسم ، ضمیر و.....)
مثال : **داشتم ، می رفتم ، دیدم ، گرفته ، نشسته ، گفتم ، بذار ، ببینم ، میاد ، نمیاد ، دیدم ، می گه ، نمی خوام ، بیام ، می خوام ، برم ، بگیرم ، بخوابم .**

۵- زبان فارسی توانایی ساختن ۲۲۵ میلیون واژه را دارد که در میان زبان های جهان بی همتاست. این زبان نهمین زبان پرکاربرد از نظر محتوا و درونمایه وب و اینترنت و بالاتر از سایر زبان های خاورمیانه است.

۶- زبان فارسی دارای ۳۲ حرف و ۲۳ آوا می باشد. در زبان فارسی حرکات و یا مصوت های کوتاه بر روی یا کنار حروف الفبا برخلاف برخی از زبان ها مانند عربی و انگلیسی ، استفاده نمی شود.

۷- در زبان فارسی برای یک آوا (در مورد ۶ آوا چنین است) ، چند علامت وجود دارد. برای مثال برای صدای Z ، ۴ علامت (ز-ذ-ظ-ض) وجود دارد.

۷-۲ تفاوت دو واژه فارسی و دری:

واقعیت تفاوت فارسی و دری چیست؟ آیا فارسی و دری دو زبان جداگانه اند یا دو گویش متفاوت از هم؟ آیا دری زبانی مستقل است یا نه؟ در افغانستان هم اکنون دو روایت وجود دارد: عده ای معتقد اند که دری، زبانی جدا از پارسی است و شماری نیز در مخالفت با این نظریه، می گویند که دری و پارسی یک زبان اما با گویش های متفاوتند.

هر دو روایت، طرفداران خودش را دارد. زبانی که در ادبیات رسمی ایران «فارسی» و در ادبیات رسمی افغانستان «دری» عنوان می شود؛ علاوه بر آن گویشوران دیگری هم هستند که هر دو را قبول ندارند و اصرار می کنند که نام این زبان باید «تاجیکی» عنوان شود. این گویشوران، عمدتاً در تاجیکستان و ازبکستان زندگی می کنند.

محمد تقی بهار، نویسنده مشهور ایرانی، در کتاب سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر پارسی معتقد است: «زبان دری زبانی است که از خراسان به دربار ساسانیان رفته است.» به نقل از وی در اصل معنای واژه «دری» اختلافاتی وجود دارد. دو چیز را می توان فرض کرد: یکی این که در دربار و در میان بزرگان در خانه و رجال مداین (تیسفون پایتخت ساسانیان) به این زبان سخن می گفته اند و دیگر آن که این زبان، زبان مردم خراسان و مشرق ایران و بلخ و بخارا و مرو بوده است. اجتماع این دو حالت نیز مشکلی ایجاد نمی کند و منابعی وجود دارد که هر دو وجه را تأیید می کنند.

۸- جمعیت پارسی گوینان:

- زبان فارسی در ۲۹ کشور جهان صحبت می شود که در ردیف ششم بعد از زبان اسپانیایی و قبل از زبان آلمانی رده بندی شده است. فارسی، زبان نخست ۲۰ میلیون تن در افغانستان ، ۵ میلیون تن در تاجیکستان ، و در ازبکستان حدود ۷ میلیون تن است. زبان فارسی ، گویشورانی نیز در هند و پاکستان

دارد. با توجه و رویکرد به رسمی بودن زبان فارسی در ایران، افغانستان و تاجیکستان، می توان شمار فارسی گوینان جهان را بیش از ۱۱۰ میلیون تن برآورد کرد.

۹- لهجه های کوناگون فارسی در جهان :

۱- فارسی ایرانی

۲- فارسی دری (افغانی) : رایج در کشور افغانستان (توضیح در ۷-۲)

۳- فارسی تاجیکی : مجلس تاجیکستان در سال ۱۳۷۸ خورشیدی با حذف واژه فارسی، نام قانونی زبان این کشور را تاجیکی اعلام کرد. حتی در پی تغییر خط در تاجیکستان، زبان تاجیکی را با الفبای سیریلیک که در آن تغییراتی داده شده است، می نویسند و به آن الفبای تاجیکی می گویند. برخی زبان شناسان، تاجیکی را لهجه ای از فارسی می دانند و برخی دیگر آن را گویشی از فارسی.

۱۰- گویش ها و لهجه های کوناگون فارسی در ایران :

- زبان های رایج در ایران به دو دسته ایرانی (زبان مردمی که از دوران کهن در این سرزمین زندگی می کرده اند) و غیر ایرانی (مردمی که به واسطه مهاجرت به این سرزمین آمده اند.) تقسیم می شوند.

۱-۱۰ دسته اول - زبان های ایرانی :

۱- فارسی ۲- کردی ۳- لری ۴- گیلکی ۵- مازنی (مازندرانی) ۶- بلوچی ۷- لکی ۸- تالشی (شمال غرب ایران) ۹- طالقانی ۱۰- کرجی ۱۱- لواسانی ۱۲- دماوندی ۱۳- تاتی (رایج در قزوین) ۱۴- تجریشی ۱۵- شمیرانی ۱۶- کومشی (رایج در سمنان) ۱۷- باصری (رایج در استان فارس) ۱۸- بندری ۱۹- بهبهانی ۲۰- بیرجندی ۲۱- دزفولی ۲۲- تونی (در شرق ایران) ۲۳- دشتستانی (در گناوه و دیلم) ۲۴- دشتی (در بوشهر) ۲۵- سیستانی ۲۶- شوشتری ۲۷- ملایری و ده ها گویش دیگر.....

۱۰-۲ دستوروم - زبان های غیر ایرانی :

۱- ترکی آذربایجانی ۲- ترکمنی ۳- ترکی خراسانی ۴- ترکی قشقایی ۵- عربی ۶- ارمنی ۷- آشوری (زبان عیسویان ساکن در ایران) ۸- قزاقی (رایج در بندر ترکمن ، گرگان ، گنبد کاووس) ۹- بچاقچی (برخی ایلات کرمان -واژه بچاقچی به معنای چاقوساز است.) ۱۰- خلجی (نوعی گویش ترکی) و ده ها گویش دیگر.....

۱۰-۳ لهجه های گوناگون فارسی در ایران :

۱- آبادانی (رایج در آبادان ، ماهشهر و..) ۲-آباده ای ۳- اراکی ۴- آرانی ۵- اصفهانی ۶- بوشهری ۷- تهرانی قدیم ۸- تهرانی ۹- جهرمی ۱۰- خراسانی ۱۱- خوزستانی ۱۲- دامغانی ۱۳- سبزواری ۱۴- شهرضایی ۱۵- شهرکردی ۱۶- شیرازی ۱۷- قزوینی ۱۸- قمی ۱۹- شاهرودی ۲۰- کازرونی ۲۱- کاشانی ۲۲- کرمانی ۲۳- کرمانشاهی ۲۴- گلپایگانی ۲۵- محلاتی ۲۶- مشهدی ۲۷- اسد آبادی ۲۸- نجف آبادی ۲۹- همدانی ۳۰- یزدی و ده ها لهجه دیگر.....

- در حال حاضر بیش از ۱۳۰ لهجه و گویش گوناگون در ایران شناخته شده است.

۱۱- زبان رسمی با لهجه رسمی (یا معیار) :

- بر اساس نظریه های زبان شناسان ، گونه ی مدون و تثبیت شده ی زبان است که بیشتر سخنگویان یک جامعه ی زبانی و به ویژه افراد تحصیل کرده آن را به عنوان صورت پذیرفته شده ی زبان به کار می برند.

- **زبان رسمی و لهجه ی رسمی باید چند ویژگی مهم داشته باشد :**

الف) نقش وحدت بخشی : ایجاد ارتباطی منسجم و هماهنگ بین افراد با لهجه های متفاوت

ب) نقش تمایز دهنده : به دلیل انتخاب آن به عنوان زبان معیار ، نقش غالب را پیدا می کند. از میان سایر زبان ها محلی و قومی ، تمایز می یابد.

پ) نقش امتیاز بخشی : انتخاب آن به عنوان زبان معیار و رسمی ، سبب امتیاز دهی به افراد می شود. به عبارتی دیگر چون زبان تحصیل و آموزش می شود ، وجه امتیاز می گردد.

ت) نقش معیاری : معیار سنجش صورت های زبانی و تشخیص درست از نادرست می گردد. محکی برای سخن سنجی است.

ث) نوشتار یا نثر : نوشتار یا نثر تنها بر پایه ی لهجه ی رسمی آموزش داده می شود و گسترش می یابد.

۱۲- فارسی، زبان رسمی و لهجه رسمی:

- زبان فارسی از میان زبان های ناحیه ای گوناگون ، به عنوان زبان رسمی کشور ، برای اداره امور ، ارتباط زبانی همگانی و نیز آموزش و پرورش به کار می رود. رساندن اخبار ، قوانین ، سیاست ها ، مسائل اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و جزء آن ها ، با یک زبان واحد آسان تر و به صرفه تر است. آموزش و پرورش با یک زبان واحد بسیار ساده تر به انجام می رسد ؛ زیرا فراهم نمودن مطالب و کتاب های آموزشی به زبان ها و لهجه های گوناگون ناممکن یا بسیار دشوار به نظر می رسد. براین پایه ، زبان رسمی نقش میانجی را داراست. به علاوه زبان فارسی با داشتن پیشینه ی بسیار طولانی و گنجینه ی سرشار ادبیات ، دین ، علوم و فرهنگ ایران و اسلام مورد توجه همه ی ایرانیان و نیز علاقه مندان به زبان فارسی در همه ی جهان است.

۱۳- زبان رسمی رما اتحاد و انجام ملی:

- **و اما چرا زبان رسمی :** در ابتدا باید گفت که در انجام هر کار یا فعالیت روزانه انسان ها باید با هم هماهنگی داشته باشند. به طور مثال وقتی دو نفر می خواهند همزمان از درب رد شوند ، ناگزیر باید یکی اول و دیگری پس از او از آن بگذرند. در یک قایق پارویی که دو یا چند نفر پارو می زنند ، باید با هم هماهنگ باشند. هماهنگی یک ضرورت است و این ضرورت ، تقریباً همه فعالیت های اجتماعی را در برمی گیرد.

- از نقطه نظر روان شناسی اجتماعی ، هماهنگی در هیچ کجا مهم تر از زبان نیست، زیرا هدف سخنگو و شنونده این است که بر فعالیت یکدیگر تاثیر بگذارند. شرط اول هماهنگی می تواند دانستن یک زبان مشترک باشد. ارتباط میان گوینده و شنونده بدون زبان مشترک به طور مطلوب امکان پذیر نیست. ضرورت هماهنگی در بسیاری از جنبه های کاربرد زبان ، آشکار است. هماهنگی بین سخنگو و شنونده چه وقتی کلمه ای بین آنان رد و بدل می شود و چه وقتی روایتی نقل شود، لازم و ضروری است. این هماهنگی نه فقط برای برقراری ارتباطی درست و موثر ، ضروری است، بلکه اصولاً بدون آن هیچ گونه ارتباطی برقرار نمی شود.

- « اگر در جامعه ای فرضاً زبان نابود شود ، فرهنگ و تمدن آن جامعه رو به ویرانی خواهد رفت. زیرا : ۱- ارتباط با گذشته قطع می شود و تجربه نسل های گذشته به نسل های آینده نمی رسد. ۲- افراد جامعه نمی توانند تجربه های علمی و فرهنگی خود را به یکدیگر منتقل کنند. ۳- تحول تاریخی متکی بر زبان است و در صورت نابودی زبان ، تاریخ از حرکت باز می ایستد. ۴- وسایل ارتباطی دیگر به اندازه زبان ، توانایی حفظ و انتقال تمدن و فرهنگ را ندارند. »

– گاهی زبان قومیتی یک فرد همان زبان رسمی کشور است . در واقع فرد تک زبانه محسوب می شود. گاهی زبان قومیتی فرد جدا از زبان رسمی می باشد . فرد دو زبانه گفته می شود. در هر دو صورت بر هر شخصی که در یک سرزمین واحد (کشور) زندگی می کند مقرر است که برای گویش رسمی در کشور خویش ، قدر و منزلت قائل شود و آن را روز به روز تقویت نموده و ارتقا دهد. چه بسا افراد تحصیل کرده ای ، که سطح آگاهی شان از زبان فارسی پایین تر از حد معمول است . برای نمونه مشاهده شده که در انجام برخی از امور روزمره زبانی مانند انجام مکاتبات اداری ، خانوادگی ، پیام های اینترنتی و... ، خطاها و اشتباهات نگارشی و دستوری صورت می گیرد. در عوض برخی از مردم عادی و بدون تحصیلات آکادمیک از این لحاظ بسیار توانمند بوده و گنجینه ای از واژه ها ، معانی و مفاهیم زبانی هستند.

– باید توجه داشت که در دنیای زبان ، هیچ زبانی ، زبان برتر به لحاظ ارزشی ، محسوب نمی شود مگر به واسطه تعداد گویشوران بیشتر ، اولویت پیدا کند که به دنبال آن آسان تر شدن ارتباط در یک کشور است.

– در هیچ کشوری لزوماً زبان و ملت (به دلیل وجود اقوام و نژاد های گوناگون) یکی نیستند ، به ویژه در دنیای امروز با افزایش چشمگیر مهاجرت ها و تحولات اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی . در هر کشوری که با گویش های گوناگون مردم خود مواجه است ، باز هم ملاک ارتباطی ، زبان رسمی است .

سخن آخر این که:

- ارزش گذاری به زبان مادری برای هر قوم و نیز زبان رسمی کشور و حفظ آن دو ، از ارکان اصلی و مهم هر جامعه و ملتی است؛ چرا که زبان هر قوم و هر ملتی ، معرف هویت و فرهنگ آنان است. زبان دربرگیرنده همه اصول و ارزش ها و اعتقادات مردم است . عامل مهم و پایه و اساس ارتباط ساکنین یک سرزمین است . مایه اتحاد و انسجام یک ملت است. جلوگیری از اضمحلال زبان ، به عنوان یک وظیفه مهم و اصلی محسوب می شود. واجب است که همه گویشوران زبان فارسی برای نکته اهمیت قائل شوند و بارعایت نکات زبانی از لحاظ دستوری ، واژگانی و نیز آوایی ، در ارتباطات روزمره در سراسر زندگی خود (محیط کار ، خانواده ، مناسبات اجتماعی و درهمه ابعاد زندگی) در حفظ این زبان گران قدر سهیم و کوشا باشند. حفظ زبان یعنی حفظ هویت و موجودیت یک قوم ، یک ملت ، یک سرزمین ، یک کشور و در نهایت حفظ زندگی و بقا مردم آن سرزمین . زبان هویت و ماهیت وجودی هر فرد در جامعه انسانی است . حفظ هویت فرد انسان ها ، حفظ جامعه انسانی است.
- باشد که در حفظ ، تقویت و گسترش گویش مادری ، کشوری و رسمی خود از هر جهت (واژگان ، دستور ، کاربرد) نقشی درست و اساسی داشته باشیم.

۱۴- خد مناجات:

الهی بنام تو زبان ها گویا شده، بنام تو جان ها شیدا شده، یگانه آشنا شده، زشت ها زیبا شده، کارها
بهیودا شده، راه ها پیدا شده، بنام تو چشم مشتاقان گریان، دل های عارفان سوزان، سرهای والد
های خروشان تنهای عاشقان پیمان

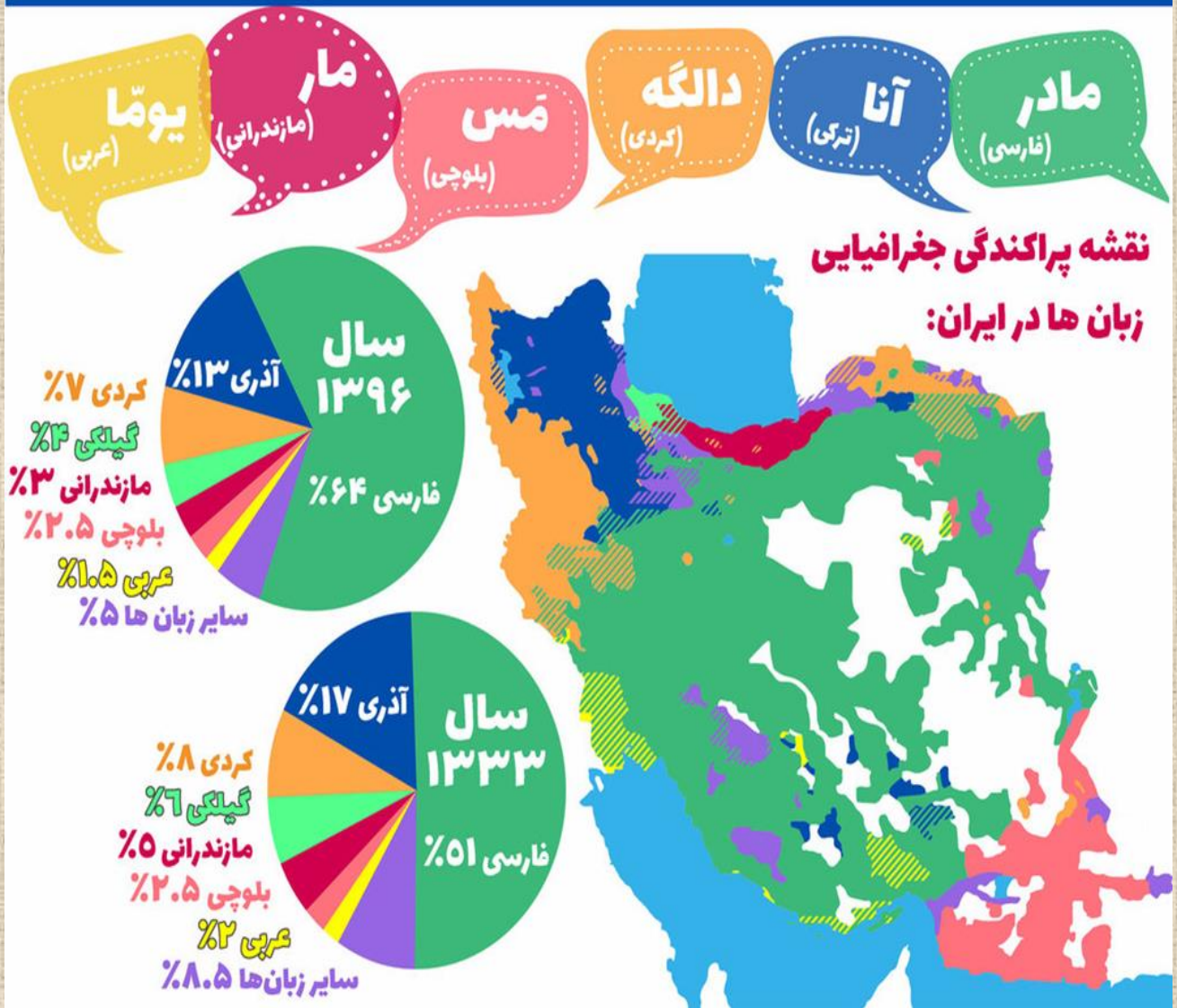
الهی ای کشاینده زبان مناجات گویان و انس افزای خلوت های ذاکران و حاضر نفس های راز
داران. خداوند در حاجت کسی نظر کن که او تو را یک حاجت بیش نیست.



مناجات های شماره ۱۷۶ و ۱۸۱ از کتاب مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری - قرن پنجم

۱۵- نقشه پرکنندگی جغرافیایی زبان ها در ایران

تغییر زبان های ایران در ۶۰ سال گذشته



پایان

۷ دی ماه ۹۹

دانشکده پرستاری و مامایی - واحد آموزش کارکنان